

خانواده در کشورهای دیگر: پاکستان

اکثر خانواده‌های پاکستانی، معاشرت پسران و دختران را با هم پسندیده‌نمی‌دانند. هنوز مدارس مختلط در پاکستان وجود ندارد و فقط چند آموزشگاه فوق دیپلم، پسر و دختر را با هم می‌پذیرند.



از پدران و مادران جدا و حتی دور باشند، ولی وسیله پیوستگی و دل‌بستگی بین اعضای خانواده از طریق مکاتبه و کمکهای نقدی و جنسی وجود دارد و گاهی نیز با یکدیگر دیدار میکنند و در عزا و شادی هم شریکند.

ج: نظام خانواده هسته‌ای در خانواده‌های این دسته، معمولاً تا زمانی که بچه کوچک است با پدر و مادر زندگی میکند و وقتی بزرگ شد بمعنی واقعی از اولیای خود جدا میشود و با تنها از طریق مکاتبه و با مکالمات از اتفاقات و نوسانات زندگی افراد خانواده خود باخبر

بتفاوت در ۱.۷ کشور جهان ماسوریت و یا اقامت داشته است اینطور می‌گوید: «مات فرنگی»
جامعه شناسان و مردم-شناسان پس از مدت‌ها مطالعه و تحقیق و تتبع «خانواده» را در جوامع مختلف جهان به سه‌گروه کلی تقسیم کرده‌اند که عبارتند از:

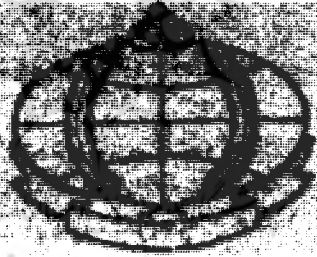
الف: خانواده مشترک و هم‌آهنگ - در این نوع خانواده پدر و مادر و فرزندان بدلیل کار مشترک (که کار در مزارع، نمونه روشن آنست) «زندگی گروهی» نیز دارند.

ب: خانواده گسترده - در این گروه احتمال دارد، فرزندان

« ماهنامه مکتب مام » در صدد برآمده است که برای اطلاع علاقمندان از وضع و کیفیت خانواده در کشورهای دیگر، در فرصت‌هایی که بدست می‌آید، با پدران و مساجدان کشورهای خارجی گفت و شنودهایی ترتیب دهد.

در این شماره صحبت در این زمینه با آقای احمد قریشی اهل کشور دوست و مسلمان پاکستان انجام گرفته است:

صحبت از «خانواده» است و آقای احمد قریشی که



سؤال شد : پدران و مادران پاکستانی نسبت به فرزندان خویش چگونگی میانداپشنند ؟
جواب داد : همانطور که فرزند از کوچکی توقع دارد که اولیا، از حیث غذا - پوشاک و تحصیل و سایر احتیاجات ، او را تأمین کنند ، پدران و مادران هم توقع دارند که فرزندانشان در وقت « پیری » یار و مددکار و «عصای دست» آنها باشند، بخصوص این توقع در کشور پاکستان زیاد است زیرا برخلاف

استحکام خانواده در پاکستان به لحاظ نفوذ دین مبین اسلام است و خانواده‌های پاکستانی عموماً دستورات قرآن کریم و پیغمبر اسلام را در مورد خانواده احترام به بزرگتر و محبت اولیا به فرزندان لازم الاجرا میدانند و من، نمونه‌ای از این گروه هستم زیرا چون اولاد بزرگتر هستم برای پدر و مادرم کمک خرج زندگی میفرستم و اینکار را از نظر اخلاق و انسانیت لازم میدانم .

میشود .
و اما کشور پاکستان نیز از چنین گروه‌بندی خانواده‌ها جدا نیست با این «تفاوت» که از نظر تقسیم‌بندی، خانواده‌های نوع اول و دوم در پاکستان بیشتر است زیرا علت اصلی اینست که حدود هشتاد و پنج درصد از اهالی پاکستان در روستاها زندگی میکنند و طبیعی است پیرو زندگی مشترک خانواده هستند - شاید تذکر این مهم ضروری باشد که محبت و شفقت

کشورهای اروپائی و آمریکائی پدر و مادر در کشور پاکستان قبل از آنکه خودشان بخورند، به فرزندشان میدهند و حق دارند «متوقع» باشند.

صحبت از غرب و غربی‌ها شد، پرسیدم، غرب‌زدگی خانواده‌گسی تا چه حد به پاکستان راه یافته است؟

آقای قریشی گفت: خوشبختانه غرب‌زدگی در پاکستان هنوز توسعه کامل نیافته است، ولی باید بگویم که در شهرهای بزرگ و صنعتی پاکستان، کم‌وبیش نمونه‌هایی از کلوب‌های کشورهای غربی تأسیس شده است و جوانان پاکستانی هم بندرت و شاید بهتر بگویم «کم‌کم» از شکل و قیافه و رفتار جوانان غرب «تقلید» میکنند. البته لازم بتوضیح میدانم که براساس مشاهدات و مطالعاتی که داشته و دارم در بیشتر کشورهای اروپا و آمریکا، اگر دختری «پوی‌فرند» و پسری «گرل‌فرند» نداشته باشند پدر یا مادر او را به کلیسا و یا نزد یک روان‌شناس می‌برند تا «عیب» او را کشف کنند زیرا آنها معتقدند که پسر یا دختر میبایست حتماً و حداقل یک دوست از «جنس مخالف» خود

داشته باشد و اگر نداشته باشد «مریض» است!!
در حالیکه در پاکستان الحمدالله هنوز این نوع کارها «باب» نیست.

پرسیدم: اولیای خانواده در معاشرت پسر و دختر چه نقشی دارند و روال معمول در پاکستان چگونه است؟

آقای احمد قریشی چنین گفت: در اکثر خانواده‌های پاکستانی هنوز رویه قدیمی و سنتی یعنی انتخاب زن برای پسر و یا بالعکس، با دخالت و موافقت «پدر و مادر» صورت می‌گیرد البته اینکار قانون نیست بلکه «عرف و عادت و سنت» است و وقتی اینطور عمل شد طبعاً خرج عروسی فرزند نیز وسیله اولیا تأمین میگردد زیرا اینکار را «فرضه» میدانند - باید اضافه کنم که حدود یک درصد از جوانانی که در سطح لیسانس و یا فوق لیسانس هستند، این رویه رانمی‌پسندند و معتقدند که با هر کس خودشان میخواهند باید «ازدواج» کنند.

پرسیدم: در تعلیم و تربیت نوجوان و جوان اولیا و سریان هریک چه دخالت و نقشی دارند؟
جواب داد: در کشور

پاکستان ما هم انجمنهای همکاری خانه و مدرسه داریم، ولی اگر مراد، دخالت پدر یا مادر به کار تحصیل فرزند است باید بگویم، این امر بستگی کامل به دانش و بینش پدر یا مادر دارد، زیرا معلم پاکستانی، نظریات پدر یا مادری را بدل و جان می‌پذیرد که از «خودش» داناتر و بیناتر باشد، البته در حال حاضر معلم در پاکستان بخصوص در روستاها مثل استادان مکتب‌خانه‌های قدیم ارج و قرب و احترام دارد.

آقای قریشی ادامه داد: حال که صحبت از تربیت بمیان آمد، باید بدانیم که بچه مثل «سایع، سیال و قابل انعطاف است و سه الگو و مدل دارد: خانواده - مدرسه و اجتماع.

خانواده‌های پاکستانی در حال حاضر با توجه به امکانات «فرزند» فرزندان «خودشان» را تربیت میکنند و البته در شهرهایی نظیر اسلام‌آباد - لاهور و کراچی که فرستنده تلویزیونی هم تا شعاع حدود صد میل قابل رؤیت است بسیاری برنامه‌های مفید در این زمینه مادران و پدران را ارشاد و هدایت میکنند و باید اضافه

کنم که رادیو هم برنامه‌های مفید برای راهنمایی خانواده‌ها دارد و ضمناً نشریات مختلف بخصوص انتشارات رادیوئی پاکستان بسرای مدارس - دانشگاهها و خانواده بسیار مفید است و روزنامه‌ها نیز حداقل هفته‌ای یک صفحه بزرگ را برای طرح مسائل خانواده‌ها اختصاص میدهند البته مجلات اختصاصی خاص خانواده‌ها نیز به این برنامه‌ها کمک میکند .

مختصر اینکه، بچه تا سن شش‌سالگی تحت تعلیم اولیا میباشد ولی چون اکثر خانواده‌ها کشاورز هستند، کارهای مزرعه بعهده مردان است، بچه قبل از رفتن به کودکستان، از نظر اخلاق و معاشرت بدست مادر تربیت میشود .

در مورد سایر خصوصیات جوانان پاکستانی پرسیدم :

آقای قریشی گفت: متأسفانه بین پسران شانزده سال بالایا در پاکستان سیگار کشیدن « عادی » شده است ولسی خوشبختانه دختران پاکستانی این عیب را هنوز ندارند و اگر احياناً دختری سیگار بکشد مردم « بد » میدانند و اما چون تحصیل حتی تا سطح دانشگاه هنوز « مختلط » نیست از این نظر

نه فقط معاشرت پسر و دختر مثل کشورهای غرب، نداریم بلکه برخی از خانواده‌ها اگر متوجه معاشرت محرمانه پسر و بخصوص دخترشان بشوند، آنها را به سختی «تنبیه» میکنند و احتمالاً در برخی خانواده‌های متعصب روستانشین ممکن است اینکار به حوادث ناگوارتر مثل «گردن‌زدن» پسر یا دختر هم منجر شود ! البته تازگی در سطح فوق دیپلم و لیسانس چند آموزشگاه «مختلط» تشکیل شده است و دانشجویان کم‌کم با روش قدیمی و دوری پسر از دختر و بالعکس مخالفت میکنند و بطور «محرمانه» دختر و پسر در سطح تحصیلات عالی با یکدیگر معاشرت دارند .

پرسیدم : خانواده‌های پاکستانی در مورد تربیت فرزندان‌شان چه نگرانی‌هایی دارند؟
گفت : «فرآورده‌های غرب‌زده» زیرا مهمترین آرزوی یک پدر و مادر پاکستانی در مورد فرزندانشان پیشرفت تحصیل و کار آنهاست و بالاخره میل دارند ازدواج آنها را به‌پینند و طبعاً هر چیزی که به این موارد لطمه بزند موجب ناراحتی آنها میشود - ولسی وسایل ارتباط جمعی، رفت و آمدهای خارجی‌ان و مسافرتهاى

جوانان پاکستانی به خارج - توسعه آموزش و پرورش بخصوص در سطح دانشگاهها و از این موارد، دنیا را آنقدر کوچک و کشورهای راییکدیگر مرتبط ساخته است که خواه ناخواه در آینده نزدیک خیلی از «فرآورده‌های غرب» به کشور پاکستان نیز خواهد رسید .

و اما اینکه چه باید کرد، تقویت نیروی ایمان و توجه به مبانی دین مبین اسلام است زیرا اسلام تمام نکات مربوط به رعایت احترام و صمیمیت و محبت در خانواده را به روشنی به مسلمانان تعلیم داده‌است. آخرین مطلب را در میان نهاده و گفتم با تجربیات ، اطلاعات و مطالعات و تحصیلاتی که اندوخته‌اید چه پند و اندرزى برای خانواده‌ها دارید ؟

آقای احمد قریشی گفت : با مطالعه در صدهفت کشور مختلف جهان، به این نتیجه رسیده‌ام که باید مبانی خانواده‌ها را مستحکم‌تر ساخت و از معاشرت پسر و دختر به شکل معمولی در کشورهای غربی جلوگیری کرد ، زیرا

بقیه در صفحه ۵۳

دنباله‌میزگرد

پدرو مادر باید با فرزند مثل « رفیق و دوست، مهربان باشد.

علت اصلی اختلاف بزرگترها با بچه‌ها یک « مشکل روحی » است فی‌المثل اگر موضوع ایجاد رابطه صحیح بین پسر و دختر حل شود، باید اطمینان داشته باشیم که بسیاری از نابسامانی‌ها و اشکالات کنونی خانواده‌ها حل میشود، زیرا بطور کلی جلوگیری ایجاد « حرص و ولع » میکند، چون پسران و دختران ما به علت مخالفت اولیا، با شیوه‌های درست و اصولی معاشرت با یکدیگر آشنائی ندارند از اینرو، با معاشرت‌های پنهانی‌گهگاه دچسار « حوادث ناسطلوب » میشوند.

قومیت و ملیت

خوشبختانه وجود احترام به سنن قدیمی، باعث خوشوقتی است ولی نکته مهم اینست که خانواده‌ها باید، بچه‌های خود را برای زندگی امروز و حقایق آن آماده نمایند بطریقی که فرزندشان در سن بیست سالگی به مسائل مختلف آشنائی داشته باشد. البته سنن و آداب و رسوم قدیمی را باید حفظ کرد و خانواده‌ها باید « قدرت تربیتی قوی » داشته باشند.

و وجود این قدرت به پدران و مادران امکان خواهد داد تا جوانی بسازند آشنا به حقایق، مطلع از انحرافات و در عین حال « دور از کجرویها » بنا بر این پدرو مادری موفق است که فرزندی با چنین خصایص بسازد و تحویل جامعه دهد. به عبارت دیگر، این اولیا هستند که باید برای فرزندان خویش « مدل » بسازند و یا مدل را تغییر دهند و به فرزند نیز تفهیم نمایند که مدل و الگوی تقلیدی او « چه » باید باشد؟

بنا بر این هدف اولیا باید آموزش و تحقیق علمی بمنظور استوار ساختن شخصیت افراد باشد نه سنت شکنی، زیرا « سنت‌ها زائیده دید یک قوم در طول تاریخ است »

در پایان جلسه میزگرد، پیشنهاد شد نظریه اینکه یکی از علل اختلاف بین اولیا و جوانان مسائل جنسی و موافقت و مخالفت برخی از خانواده‌ها با معاشرت پسران و دختران میباشد بهتر است در جلسه آینده میزگرد ضمن بحث در اطراف اختلاف و شکاف جوانان و بزرگسالان به بحث پیرامون این موضوع نیز توجه شود.

